

شناسایی زیرگروه جدیدی از افسردگی

پزشکان زیرشاخه جدیدی از افسردگی را شناسایی کردند که شامل اختلالات شناختی بارزتر است و درمان‌های فعالی در مورد آن پاسخگو نیست.

به گزارش سایت خبری پرسون، گروهی از محققان بررسی‌ها، آزمایش‌ها و تصویربرداری مغز برای فهم بهتر اختلالات شناختی استفاده کردند که با رفتارهایی مانند دشواری در برنامه‌ریزی آینده، تمرکز ضعیف و سایر مسائل عملکردهای اجرایی مشخص می‌شود. گروهی از محققان Stanford Medicine از بررسی‌ها، آزمایش‌ها و تصویربرداری مغز برای فهم بهتر اختلالات شناختی استفاده کردند که با رفتارهایی مانند دشواری در برنامه‌ریزی آینده، عدم کنترل خود، تمرکز ضعیف و سایر مسائل عملکردهای اجرایی مشخص می‌شود.

مشکلات عملکرد اجرایی برای مدتی به عنوان شاخصی در اختلال افسردگی اساسی شناخته می‌شود، اما دانشمندان متوجه شده‌اند که ۲۷ درصد از مبتلایان، این مشکل را ندارند، یعنی آنها ضمن اینکه از عهده کارهایشان برمی‌آیند و خللی در آنها ایجاد نمی‌شود افسرده‌اند و اکثر داروهای فعلی آن را هدف قرار نمی‌دهند. آنها گرچه در اقلیت هستند، اما جمعیتی حدود پنج میلیون نفر در آمریکا را تشکیل می‌دهند.

معمولاً مهارکننده‌های انتخابی بازجذب سروتونین (SSRIs) برای درمان افسردگی تجویز می‌شوند، اما برای کمک به اختلال عملکرد شناختی کمتر مؤثر هستند.

برای انجام این مطالعه، به ۱۰۰۸ بزرگسال مبتلا به اختلال افسردگی اساسی، یکی از سه داروی ضد افسردگی رایج داده شد و سیتالوپرام و سرتالین که روی میانجی عصبی سروتونین اثر می‌کند و ونلافاکسین که روی سروتونین و نوراپی نفرین اثر می‌کند. در پایان هشت هفته، ۷۱۲ شرکت‌کننده بررسی شدند.

قبل و بعد از دادن دارو، در مورد شرکت‌کنندگان یک نظرسنجی بالینی و خودارزیابی برای سنجش سطوح مختلف علائم، علاوه رفتارهایی مانند تغییر در خواب یا غذا خوردن و تأثیرات اجتماعی و شغلی انجام شد. ارزیابی حافظه کاری، سرعت تصمیم‌گیری و توجه پایدار هم در مورد آنها ارزیابی شد.

علاوه بر این، ۹۶ نفر از این شرکت‌کنندگان با تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی (fMRI) اسکن شدند.

پس از هشت هفته، تیم متوجه شد که ۲۷ درصد از شرکت‌کنندگان در نواحی خاص پیشانی مغز، یعنی قشر جلوی پیشانی خلفی جانبی و نواحی کمربندی قدامی پشتی، اختلال شناختی قابل‌توجه‌تری داشتند و فعالیت کمتری داشتند. آنها همچنین کمترین پیشرفت را نسبت به SSRIها نشان دادند.

دکتر لورا هک، نویسنده ارشد این مطالعه و استادیار روانپزشکی و علوم رفتاری، می‌گوید: این مطالعه بسیار مهم است زیرا به روانپزشکان ابزارهای اندازه‌گیری کمی برای افسردگی برای کمک به تصمیم‌گیری در مورد درمان می‌دهد.

محققان امیدوارند که بتوان آزمایش‌هایی را برای تشخیص این اختلال و تغییر درمان به منظور تطابق بیشتر با این زیرگروه اختلال افسردگی اساسی ایجاد کرد.

ویلیامز و هک امیدوارند با استفاده از درمان‌های مختلف مانند تحریک مغناطیسی ترانس کرانیال (TMS) و درمان رفتاری شناختی (CBT) و همچنین سایر داروها مانند گوانفاسین که معمولاً در نقص توجه مؤثر است، مطالعات بیشتری در مورد این نوع افسردگی انجام شود.

جای تعجب نیست که همین نواحی مغزی که در این مطالعه شناسایی شده‌اند، همان مناطقی هستند که تحت تأثیر ADHD و عملکرد ضعیف اجرایی مرتبط با آن هستند.

منبع: یک پزشک